

تقریباً ۱۸۴۲ تا ۱۸۴۳ در تهران و در مدرسه دارالفنون
 در رشته پزشکی تحصیل نمود و در سال ۱۸۴۳ در رشته
 پزشکی در مدرسه دارالفنون در تهران فارغ التحصیل شد
 و در سال ۱۸۴۳ در رشته پزشکی در مدرسه دارالفنون
 در تهران تدریس نمود.

(۴)



۲۱ فوریه :

شوپن کنسرت نازده ای در منزل « بلویل » اجرا کرد و همان موقعیت افتخار-
 آمیز سال قبل را بدست آورد. جامع علوم انسانی
 در این کنسرت سومین بالاد و پولونز در فا دیز مینور و قطعات دیگری
 را نواخت .

« پولینویاردو » و « اوگوست فرانثوم » در این شب نشینی فراموش
 نشدنی حضور داشتند .

۲۱ فوریه :

مرگ « آلبرت زیبونی » در ورشو .

۲۰ آوریل :

دکتر « ژان ماتوسزینسکی » یکی از عزیزترین دوستان شوپن در



سن سی و سه سالگی در پاریس بمرض سل ربوی وفات یافت. این جدائی درد
و بیماری موسیقی دان بزرگ را افزایش داد .

شوین دوستانش را صمیمانه دوست داشت . او هرگز از دوستانش
رنجشی پیدا نمیکرد و اشتباهات آنان را می بخشید .

تابستان درنوهان :

«دولا کروا» مدت زیادی درنوهان اقامت کرد.

سپتامبر :

انتشار سه مازورکا اوپوس ۵۰ . شوین و ژرژسان خانۀ کوچۀ
پیکال را ترک کردند و در دو آپارتمان چهار راه « اورلئان » اقامت
گزیدند .

« کنتس مارلیانی » نیز در همین محل زندگی میکرد .

۱۸۴۳

در تابستانی که شوین درنوهان گذراند ، ژرژسان سفیر اسپانیا
« ماندیزابال » را نیز دعوت کرده بود .
گردش و مسافرت در سواحل « کروز » .

۲ اکتبر :

انتشار سومین امپرومپتو در سل بمول ماژور ، چهارمین بالاد در فا
مینور ، پولونز در لا بمول ماژور اهدا شده به « اوگوست لئو » و چهارمین
سکرتزو در می ماژور .

رتال جامع علوم انسانی

۱۸۴۴

۳ مه :

نیکلا شوین در سن هفتاد و سه سالگی وفات یافت .

غم فردریک بی نهایت بود . در ماه اوت خواهرش لوییز و شوهر او
« ژوزف کالاسانت » را در پاریس ملاقات کرد .

این دیدار برای او تسکین بزرگی بود .

ژرژسان خواهر شوین و شوهرش را به نوهان دعوت کرد .

ژرژسان شاهکار خود « باطلاق شیطان » را پایان رساند و آنرا

به شوین اهداء نمود؛ دستخط کتاب خود را نیز به « ژوزف کلاسانت »
هدیه کرد.

انتشار دونو کتورن اهداء شده به « ژان ستیرلینگ » و سه مازورکا
اوپوس ۵۶ .

۱۸۴۵

« لویی بلان » که توسط ژرژ سان به شوین معرفی شده بود، از او
درخواست کرد که قطعاتی برای « گودفروی کاپیناک » که در بستر مرگ
آرزوی شنیدن موسیقی را داشت بنوارد.

شوین با خوشروئی این کار را انجام داد .

در زمانی که شوین و ژرژ سان در نوهان بسر میبردند ، شوین برای
چندروزی بیاریس رفت.

ژرژ سان نامه‌ای بعنوان او نگاشت که با این جمله تمام میشد : « مرا
دوست بدار فرشته عزیز ، خوشبختی عزیز ، ترا دوست میدارم . »

این نامه میرساند که در آن زمان هیچگونه سوء تفاهمی بین دودلداده
مشهور نبود .

انتشار برسوز و سونات درسی مینود .

سلامتی شوین روز بروز بیشتر از دست میرفت .
پروفسور گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جل علوم انسانی
۱۸۴۶

نوامبر :

شوین باتفاق آمانوئل آراگو بیاریس بازگشت . ژرژ سان و اطفالش
مدت بیشتری در بیلاق باقی ماندند . در این مدت « فرنان - د - پرولت »
چندین دفعه بدیدن آنان رفت . عشق ساده و شاعرانه‌ای بین « سولانو » دختر
ژرژ سان و فرنان بوجود آمد .

انتشار سه مازورکا ، بارکارول ، پولونز - فانتزی ، و دونو کتورن

اوپوس ۶۲ .

فوریه :

ژرژسان و فرزندانش وارد پاریس شدند . سولانژ و فرنان نامزد شدند و قرار شد بزودی با یکدیگر ازدواج نمایند .
فرنان برای مدتی بیاریس آمد . ژرژسان آنان را به دوستانش و منجمله «دولا کروا» معرفی کرد .

مارس :

« ژان باتیست » ، مجسمه ساز پیشنهاد تهیه مجسمه نیم تنه ژرژسان و سولانژ را نمود . این پیشنهاد مورد قبول واقع شد .
سولانژ و فرنان از ازدواج با یکدیگر صرف نظر کردند .
شوین در منزل خود ، سونات برای ویولون سل و پیانو را باتفاق «فرانشوم» نواخت . برنامه در مقابل عده معدودی اجرا شد و بین مدعوین ژرژسان و « کنتس دولفین بوتوکا » دیده میشدند .

آوریل :

ژرژسان ، سولانژ را همراه خود به نوهان برد . « ژان باتیست » نیز بزودی بآنها پیوست .

مه ۲ :

« وینتر هالتر » اولین تصویر مدادی شوین را ترسیم کرد . در همین روز موسیقیدان بزرگ ^{شیراز} ^{پیشگاه علم} ^{انسان} ^{و مطالبات} ^{فرنگی} ^{پیشانی} ^{مریض} ^{شد} .
علاوه بر ریه ها ، قلب شوین نیز سلامت خود را از دست داد . «سولن» پزشک قدیمی شوین برای نجات او دعوت شد .

مه ۳۰ :

مراسم ازدواج سولانژسان و « ژان باتیست » در نوهان برگزار

شد .

ژوئیه :

« وینتر هالتر » سه تصویر مدادی از شوین تهیه کرد .
« هانری لوهمان » نیز تصویری برای دوست شوین « اوگوست لئو »

ترسیم نمود. « آرمی شفر » تصویر زیبایی از موسیقیدان بزرگ تهیه کرد و « آنتوان بووی » مجسمه ساز، سه‌مدال تازه از شوپن ساخت.

شوپن چند روزی را در « ویل داوری » نزد دوستش « توماس آلبرش » گذراند.

در نوهان نزاع شدیدی بین ژرژسان و موریس از یک طرف و سولانژ و « ژان باتیست » از طرف دیگر در گرفت. ژرژ سان دختر و دامادش را از خانه بیرون کرد.

شوپن از بهم خوردن قرار ازدواج سولانژ و فرنان و نیز ازدواج سولانژ با « ژان باتیست » که شهرت بدی داشت، دلگیر و متغیر شد. همچنین از ماجرای تأسف آوری که در نوهان اتفاق افتاده بود بوسیله سولانژ باخبر شد و بی نهایت تعجب کرد.

طرز رفتار ژرژسان، نظر شوپن را نسبت باو تغییر داد. ژرژسان میخواست بهر قیمت شده دخترش ازدواج کند؛ در این هنگام مرد محترمی که « ژان باتیست » را بعنوان مجسمه ساز هنرمندی معرفی کرده بود، اطلاعات بدی درباره او به ژرژسان داد.

ژرژسان که لیاقت و شخصیت « ژان باتیست » را نزد شوپن و اطرافیانش بی نهایت بالا برده بود یک ماه بعد از عروسی دخترش متوجه حقیقت قضیه شد و با آنکه سولانژ در انتظار فرزندش نیز بود، با داماد و دخترش اختلاف پیدا کرد و آنها را برای همیشه از نوهان راند.

ژرژسان با وجود اعتماد زیادی که بشوپن داشت، او را در جریان این اختلافات و دلیل ازدواج فوری سولانژ با « ژان باتیست » نگذاشت. شوپن نیز که باینگونه اختلافات و نزاعهای مادر و دختر خو گرفته بود، این جریان را زیاد جدی نگرفت.

بهین دلیل سولانژ در پاریس همچنان با شوپن رفت و آمد می کرد ولی ژرژسان از این جریان رنجید و اینکار را بمنزله توهین بخود تلقی کرد.

بزودی جدائی ای که موریس آرزو میکرد، اتفاق افتاد. شوپن تمام تابستان را در منزل خود گذراند و بیهوده در انتظار خبری از ژرژسان ماند.

انتشار سه والس از او بوس ۶۴ و سونات برای پیانو و ویولون سل ،
اهداء شده به « اوگوست فرانشوم » .

۱۸۴۸

شوین به آنفولانزا مبتلا شد .

اواخر ژانویه :

« آنتوان کولبرگ » تصویر بسیار زیبایی از شوین نقاشی کرد . این
آخرین تصویری بود که از استاد تهیه شد .

۱۶ فوریه :

اجرای کنسرت در منزل « پلییل » .

چهار نفر از بهترین دوستان شوین : پلییل ، « اوگوست لئو » ، « کنت
پرتویس » و « اوگوست فرانشوم » او را وادار کردند که کنسرتی برای
عموم اجرا کند .

دوستانش امیدوار بودند که باین ترتیب او را از اندوه عمیقی که در
آن غرق شده بود ، و سلامتی اش را از بین میبرد ، نجات دهند .
در این کنسرت شوین همراه قطعات دیگر ، سونات برای پیانو و ویولون -

سل را با تفاق « اوگوست فرانشوم » اجرا کرد .

موقفیت شوین عظیم بود . یک هفته قبل از شب برنامه همه بلیط ها
بفروش رفته بود . مردم فریاد میزدند و تقاضای دو کنسرت دیگر داشتند
اما شوین درخواست آنها را اجابت نکرد .

جنبش آزادخواهان ای که در مرکز اروپا پیداشده بود ، امید بزرگی
به شوین داد . او تصور میکرد که کشورش بزودی آزاد میشود امامتأسفانه
امیدش مبدل بیاس شد .

۲۸ فوریه :

سولانژ دختری بد دنیا آورد .

۴ مارس :

شوین بر حسب تصادف هنگام خروج از منزل « کتس مارلیانی » با
ژرژسان روبرو شد . از آن پس هرگز یکدیگر را ملاقات نکردند .

۷ مارس :

دختر سولانو که فقط يك هفته زندگی کرد ، در گذشت .

مسافرت به انگلستان

۲۰ آوریل :

شوین بتوصیهٔ یکی از شاگردانش « ژان . و . ستیرلینگ » تصمیم گرفت به لندن مسافرت کند و کنسرت‌هایی اجرا نماید .
« برود وود » استقبال بسیار گرمی از شوین نمود و بهترین نوع بیانوی خود را در اختیارش گذارد .

موقعیت این برنامه شوین مانند موقعیت منزل پلییل بود .
در اولین برنامه‌های موسیقی در منزل « لیدی کنسبوروگ » و « مارکی دو کلاس » با « توماس کارلایل » ، « دیکنز » ، « روجرز » ، « هوگارت » و خوانندهٔ بزرگ سوئدی خانم « جنی لند » ، آشنا شد .

۱۵ مه :

شوین در حضور ملکهٔ ویکتوریا و پرنس آلبرت قطعاتی نواخت .
این برنامه در منزل دوشس « سوترلاند » اجرا شد . « ولینگتن » و سایر اشراف و درباریان نیز حضور داشتند . شوین موفقیت زیادی کسب کرد .

۲۳ ژوئن :

کنسرت در منزل خانم « سارتورینا » دختر « شارل کمبل » هنرمند بزرگ تئاتر . « ماریو » نیز در این برنامه آواز خواند .

۷ ژولیه :

کنسرت در حضور « لردفالموت » . در روزنامهٔ « دیلی نیوز » مطلب جالبی دربارهٔ این برنامه منتشر شد . « پولینویاردو » در این برنامه آواز خواند . شوین بخاطر وضع مالی خود ، درس پیانو داد ؛ وضع مزاجی او نیز دوباره خیالش را ناراحت کرد .

عزیمت به اسکاتلند

بخاطر اصرار خانم « ستیرلینگ » ، موسیقیدان بزرگ ، دعوت برادر شوهر شاگردش « لرد تورفیچن » را قبول کرد .

اوایل اوت :

بعد از يك روز اقامت در « ادینبورگ » شوپن به « کالدرهاوس » ملك زیبای « لرد تورنیچن » رفت . لرد چنتلمن سالخورده ای بود که موسیقی عامیانه را دوست داشت و بزودی بشوپن علاقمند شد .

۲۸ اوت :

کنسرت بزرگ . در این برنامه شوپن آنداته سپیانانو ، دومین سکر تزو ، يك نوکتورن و چند اتود و برسوز نواخت و « ماریتا آلبونی » آواز خواند . استاد در حوالی شهر نزد کارخانه داز هنر دوست و باذوقی بنام « شاوب » منزل کرد . سپس مهمان يك دکتر لهستانی مقیم اسکانلند شد .

۴ سپتامبر :

شوپن در قصر جونستون مهمان خواهر خانم « ستیرلینگ » شد .

۲۷ سپتامبر :

کنسرت در « گلاسگو » . چند روز قبل از آن شوپن « برنسس مارسلین سارتوریسکا » و شوهرش را ملاقات کرد . شوپن راجع باین ملاقات اینطور نوشت : « خوشبختی دیدار آنها و صحبت کردن بزبان لهستانی بمن نیروی پیانو نواختن داد . » در این برنامه شوپن چند اپیرمیتو ، اتود ، نوکتورن و برسوز را اجرا کرد .

بخطرات استقبال فراوان از این برنامه شوپن برنامه دیگری اجرا کرد و در آن دومین نوکتورن ، مازورکا اوپوس ۶۴ ، پولونز - فانتزی ، پرلود ، بالاد ، مازورکا ، ویک والس اجرا کرد . برنسس و برنسس همراه شوپن مهمان خانم « هوستون » شدند . استاد سپس بمنزل دائمی خانم « ستیرلینگ » رفت .

۴ اکتبر :

کنسرت در ادینبورگ .

شوپن بعد از مدتی اقامت نزد « لیدی بلهاون » ، بعنوان مهمان « دوک هامیلتون » به کاخ هامیلتون رفت .

روزهای دردناک زندگی شوپن شروع شد زیرا نیروی جسمی و ذخیره
مادی اش پایان رسیده بود و مجبور بود زندگی را بین آسایش کاخ نشینی
و وظیفه دشوار نوازندگی همه شب، تقسیم کند.

مدتی بعد بمنزل « دکتر لیز سینسکی » رفت و در آنجا دچار ناراحتی
شدیدی شد.

۳۱ اکتبر :

مراجعت به لندن . شوپن در کوچه « سنت جیمس » آپارتمان کوچکی
اجاره کرد .

۱۶ نوامبر :

« لرد ستوارد » رئیس انجمن ادبی لهستان در لندن ، شب نشینی بنفع
پناهندگان ترتیب داد و از شوپن درخواست کرد که در آن شرکت کند . شوپن
با وجود شدت مرض در این شب نشینی شرکت کرد و بیان نواخت . این آخرین
کنسرت او بود .

۲۳ نوامبر :

شوپن لندن را در معیت نوکر و دوستش « لئونارد نیدزویکی » که
به انگلستان پناهنده شده و از سال ۱۸۴۵ در پاریس کتابدار کتابخانه لهستانی
بود ، ترک کرد . او در منزل خود در محله اورلئان اقامت گزید و بسختی
بستری شد .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی
۱۸۴۹

بعد از مدت کوتاهی استراحت ، مجبور شد بخاطر گذراندن زندگی
درس پیانو بدهد و برای اینکار آخرین نیروی خود را از بین برد .

« بیسون » عکاس ، در منزل « لوریس شلزینگر » ناشر کتاب ، عکسی
از شوپن برداشت . این تنها عکسی است که از استاد برداشته شده است .

تابستان :

شوپن آپارتمان محله اورلئان را ترک کرد و منزل شماره ۷۴ کوچه
« شایو » را اجاره کرد .

لوئیز خواهر شوپن برای پرستاری او پاریس آمد .

پالیز :

در مراجعت پیاریس منزل شماره ۱۲ میدان «واندون» را که آپارتمان بسیار زیبایی بود اجاره کرد. وضع مزاجیش روز بروز بدتر می شد؛ بسا اینحال شوین به ترتیب دادن منزلش علاقه نشان میداد و هنوز امیدوار بود. ولی با گذشت هر ساعت از نیروی او کاسته می شد.

۱۵ اکتبر :

وضع اسفناک شوین را با اطلاع «کنتس دولفین پوتوکا» رساندند و او با عجله پیاریس رفت. شوین از کنتس درخواست کرد که چند قطعه برای او بخواند. کنتس درحالیکه گریه میکرد آواز خواند.

«الکساندر ژلوویکی» کشیش و دوست بسیار نزدیک شوین مراسم مذهبی را بر بالین او انجام داد.

۱۷ اکتبر :

ساعت دو بعد از نیمه شب شوین برای همیشه خاموش شد. سوئیز خواهرش، پرنسس مارسلین زارتوریسکا و چند نفر از دوستانش هنگام وفات او حضور داشتند.

در همان روز «ژان باتیست» تصویری از صورت استاد کشید و قالبی از دست او برداشت.

«کویاتکویسکی» دوست شوین طرحی از پیکر او کشید.

«گرافل» نیز صورت و دست او را نقاشی کرد.

فوت نابهنگام موسیقیدان و آهنگساز بزرگ اندوهی عمیق و بزرگ در فرانسه، لهستان و بیشتر کشورهای جهان بوجود آورد.

۲۰ اکتبر :

مراسم عزاداری شوین در کلیسای مادلن برگزار شد.

«پولین ویاردو»، «مادام کاستلان»، «دوپن» و «لابلاش»،

رکوتیم موزاررا خواندند. مارش عزرا و سونات درسی بمول مینور برای

اولین بار بوسیله ارکستر و برهبری «روبرت» اجرا گردید.

پرلود های شماره ۴ و شماره ۶ توسط «لوفبور - ولی» بوسیله

ارک اجرا شد.

شوین در قبرستان « پرلاشز » بخاک سپرده شد .
در میان کاغذهایش ، نامه‌های « ماری وودزینسکا » که بوسیلهٔ روبانی
بسته شده بود کشف شد . روی کاغذی که آنها را پوشانده بود این کلمات
بچشم میخورد : « بدبختی من » .
در میان دفتر یادداشتی که شوین همیشه همراه خود داشت ، يك حلقه
موی ژرژسان پیدا شد .
دسامبر :

قلب شوین توسط « لوتیز ژاندرزووویز » به ورشو برده شد و در
کلیسای « سنت کرووا » دفن گردید .

۱۸۵۰

۱۷ اکتبر :

در این روز در قبرستان « پرلاشز » از بنای یادبودی که با مساعدت
دوستان شوین و بوسیلهٔ ژان باتیست تهیه شده بود ، پرده برداری شد .
« ژان ستیرلینگ » از « لوتیز ژاندرزووویز » خواهش کرد که
مقداری از خاک لهستان را برای او بفرستد .
بعد از مراسم یادبود ، این خاک را بر روی آرامگاه ابدی شوین
پاشیدند .

پایان

پروفسور گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ترجمه فریده فرجام

رتال جامع علوم انسانی